

عناصیر و کراسی در دموکراسی

غلامرضا رحیمی

□ روح دموکراسی باعث می‌شود که مردم علیه امتیازها،

بردگی‌ها و تحمیل مقام پست‌تر

به برخی از افراد و اقشار جامعه قیام کنند،

آن‌چنان که در طول تاریخ

شاهد چنین

حرکت‌هایی می‌باشیم.

به نام دموکراسی پایه‌گذاری شود در واقع چیزی جز یک نظام الیگارشسی (۱) نیست. به‌ویژه اگر الیگارشسی اقتصادی و مالی شکل بگیرد که در این حال حکومت پول به‌طور مطلق جانشین حکومت قانون می‌شود و یک نوع بردگی جدید را در جامعه پدید می‌آورد. اگر به‌جای برابری اختلاف موحش طبقاتی؛ به‌جای احقاق حق محرومین و امتیازات ویژه طبقه حاکم و به‌جای سعادت و به‌روزی همگانی، بحران و اضطراب و یأس عمومی پدید آید، نمی‌توان از دموکراسی خالص سخنی به‌میان آورد. بنابراین تا زمانی که فاصله عمیق طبقاتی وجود دارد و افراد از برابری حقوقی برخوردار نیستند، دموکراسی معنای واقعی خود را نخواهد یافت.

پی‌نوشت:

۱- حکومت الیگارشسی "Oligarchical" به نظامی اطلاق می‌شود که به‌دست گروه و طیف مشخصی اداره می‌گردد.

تعیین سرنوشت جامعه ضروری می‌نماید. در چنین حکومتی منشأ قدرت دولت اراده مردم است و آن‌چه مربوط به عموم است، از طریق حکومت انتخابی به تصویب اکثریت صورت می‌پذیرد. بنابراین روح دموکراسی باعث می‌شود که مردم علیه امتیازها، بردگی‌ها و تحمیل مقام پست‌تر به برخی از افراد و اقشار جامعه قیام کنند، آن‌چنان که در طول تاریخ شاهد چنین حرکت‌هایی می‌باشیم.

جدا از تعاریف کلاسیک، روند تاریخی دموکراسی به معنای تلاش بشر در جهت خلع قدرت جباران و پیکار در راه به‌دست آوردن آزادی و مساوات و تلاش برای شرکت مردم در اداره امور جامعه براساس قوانین بوده است. جوهر دموکراسی، آزادی و مساوات افراد در حقوق اجتماعی می‌باشد که مبنای آن چیزی جز حقوق طبیعی انسان نیست، چرا که آدمی آزاد و به لحاظ حقوقی مساوی با دیگران آفریده شده است.

بنابراین اگر حکومتی بنا نهاده شود که آزادی و حقوق برابر انسان‌ها را نادیده بگیرد، حتی اگر

واژه دموکراسی ترکیبی از دو لفظ یونانی Demos (مردم) و Kratos (حکومت کردن) می‌باشد. مشهورترین تعریف از دموکراسی حکومت مردم بر مردم است. اما اندیشه و مفهوم دموکراسی در جهان امروز تنها یک نظام سیاسی نیست، بلکه در عین حال فلسفه نوعی زندگی می‌باشد. از آن‌جا که دموکراسی در بردارنده خواست‌ها و انتظارات اجتماعی و اقتصادی نیز هست، بنابراین حکومت دموکراسی مظهر اراده جمهور ملت است. این مفهوم چون سایر مفاهیم سرگذشتی دیرینه و تاریخی دارد و در هر دوره‌ای از تمدن بشری محصول استنباط انسان‌های همان عصر بوده است، تا آن‌جا که دموکراسی یونان با دموکراسی سرمایه‌داری و دموکراسی سوسیالیستی و توده‌ای تفاوت‌های چشمگیری دارند. با این حال این تعابیر مختلف بیش از آن که نقیض هم تلقی شوند، یکدیگر را در سیر تاریخ تکمیل کرده‌اند تا جایی که در نهایی‌ترین تلقی موجود از دموکراسی در دوران جدید، نباید اداره جامعه برعهده یک فرد یا اقلیت محدود ممتاز گذاشته شود، بلکه مشارکت همه افراد در

